

پیش از قهر، آشتی کن!

اختلاف نظر، اختلاف رأی و عقیده، همه جا وجود دارد و انکار هم نمی‌شود، بین هر دسته و اجتماعی با هر شیوه و طرز فکر و عقیده‌ای، بالأخره یک سری اختلافات وجود دارد یا به وجود می‌آید.

چندصباحی این اختلافات، ذهن و وقت دو طرف را به خود معطوف می‌دارد؛ تلاش‌های منفی، برداشت و قضاوت‌های گاه مغرضانه و سرانجام، یک اتفاق، ما را بر سر یک میز می‌نشانند. دو طرف دعوا چندین و چندبار می‌نشینند، به حرف هم گوش می‌دهند، دلیل و برهان برای رد دیگری و اثبات خویش ارائه می‌دهند، کمی گلايه، کمی چاشنی عذرخواهی و سرانجام، پس از کشمکش کاملاً آرام و دلپذیر، این مجادله، سوءتفاهم یا اختلاف، ختم به خیر می‌شود.

بیا بید پیش از هر کاری، بنشینیم، آرام و معقول به حرف هم گوش فرادهیم، برای اثبات و یا رد عقاید طرفین، دلیل و برهان بیاوریم، از هم عذرخواهی کنیم و در یک کلام، آماده‌ی آشتی و همراهی شویم. این‌جا دیگر به فرمول زشت قهر، نیازی نیست چراکه قبلاً آشتی کرده‌ایم و چون در سلسله‌مراتب وجودی، قهر پیش از آشتی‌ست، نوبت به قهر نخواهد رسید.

آشتی بدون قهر، یعنی کاری که قرار است بعدها با هزاران خواهش، التماس و انواع و اقسام واسطه‌ها در یک محیط سراسر خجالت و شرم انجامش دهیم، بیا بید صاف و پوست‌کنده، روبه‌روی هم بنشینیم و مشکل را پیش از بروز، حل کنیم.

بیا بید آشتی کنیم تا مجبور نباشیم تن به قهر دهیم.

رضا بردستانی

و برداشتش را روشن‌سازیم و او را به انصاف و واقعیت فراخوانیم.

■ اگر در رابطه با غیبت، شرطی شده‌ایم، اصلاح رفتار، سخت نیست. خواستن و خودشناسی، چاره‌ی درد ماست.

■ اگر غیبت‌کننده درددل به‌حق دارد، در برابر گفته‌هایش صبور باشیم و در فرصتی مناسب با برجسته‌کردن صفات نیک طرف مقابلش، او را به آرامش و تحمل بیش‌تری برسانیم و در کل، اگر کاری از دستمان برمی‌آید، برای حل مشکلتش دریغ نوزیم.

■ اگر غیبت، یکی از راه‌های غیرمستقیم شناخت ماست، در این مورد، خودمان هم به پژوهش بیش‌تر و دقیق‌تری بپردازیم و درست‌بودن نظر دیگران را در ترازوی انصاف بگذاریم.

بیش‌تر از بیان راه‌بردها، آرزو کنیم روزی فرارسد که هیچ‌کس در ابراز نظرش، ناتوان نباشد و بدون ترس و وحشت و بدون گرفتار شدن در تار و پود هزینه‌های سنگین این ابراز نظرها، با مهربانی و صداقت، در چشمان طرف مقابل چشم بدوزد و چهره‌به‌چهره، نظرها، خواسته‌ها، انتظارات به‌حق و سنجیده‌ی خود را به زبان آورد.

در چنین شرایطی، دیگر کسی ناتوان و سلطه‌پذیر نخواهد بود تا مجبور باشد از شأن والای انسان آرمانی، فروافتد و غیبت کند. حتی اگر نیاز به غیبت هم وجود داشته باشد، جادارد پند حکیمانه‌ی «خواجۀ عبدا...» را به‌کار بندیم:

«مردم را در غیبت همان گوی که در روی توان گفت.»

به‌طور کلی رعایت چند راه‌برد در مقابله با غیبت‌کردن می‌تواند سودمند افتد:

■ موضوع غیبت را به آگاهی غیبت‌شونده رساندن، از خود غیبت، نکوهیده‌تر است.

■ زمان آن فرارسیده که نگرش سیاه و سفیددین دیگران را دور افکنیم. انسان طبیعی، مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌هاست. بدترین آدم‌ها از نظر ما می‌توانند صفات نیکی هم داشته باشند.

■ صفات مثبت غیبت‌شونده را به‌صورت برجسته یادآوری کنیم.

■ رنجش و ناراحتی خودمان را از غیبت‌کننده پنهان نداریم، با او هم‌صدا نشویم اما به‌گونه‌ای عمل کنیم که به دامن افراد در‌دسر ساز پناه نبرد.

■ هرگز کارهای فرهنگی را در مقابله با غیبت‌کردن‌های بیمارگونه، از نظر دور نداریم. خواندن رمان‌ها، دیدن نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌ها در این زمینه و آشناسدن با پیامدهای منفی و نتایج دردناکی که ممکن است به‌بار آورد، از هزار پند و اندرز خشک، مؤثرتر است.

به‌راستی چه زیباست «مردم را در غیبت همان گوییم که در روی می‌توان گفت.»

به‌راستی چه زیباست «وقتی زندگی خالی از نیرنگ است.»

به‌راستی چه زیباست «وقتی غیبتی در میان نیست.»



مصطفی علیزاده
نویسنده و مترجم